

راه طولانی برای رسیدن به WTO

♦ گروه مقاله

کشورهای متقاضی در جریان پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) باید قوانین و مقررات خود را با ساختار این سازمان هماهنگ و سازگار کنند، وگرنه تقاضای آنها رد می‌شود. ایران نیز متقاضی حضور در WTO است و از بدو تقاضای عضویت، بررسی ناهماهنگی‌های موجود در قوانین در دستور کار قرار گرفت. بر اساس مطالعه‌ای که به منظور تدوین گزارش رژیم تجاری کشور در معاونت امور بین‌الملل دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران انجام شده کمبودها و نارسایی‌های موجود در قوانین و مقررات ایران در سه حوزه کالایی، خدماتی و مالکیت فکری برای انطباق با قواعد و مقررات WTO بررسی شد که در چالش این ماه بازار بین‌الملل خلاءهای قانونی بر سر راه پیوستن به WTO بررسی می‌شود. در شماره پیشین بخش اول این مقاله را تقدیم کردیم و اکنون خلاءهای قانونی در دو بخش خدمات و مالکیت فکری تشریح می‌شود.

خدمات بانکی و مالی؛ ناهمخوانی قانون

بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب سال ۱۳۶۲) در داخل سرزمین اصلی، عرضه خدمات در قالب این قانون ارائه می‌شود که اساس آن بر مشارکت در سود و زیان استوار است و با رویه‌های بانکی بین‌المللی سازگاری ندارد، هر چند در مناطق آزاد، مطابق قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، عملیات بانکی بر اساس برخی رویه‌های بانکی بین‌المللی، مجاز دانسته شده است. لذا به نظر می‌رسد نظام مالی ایران یک نظام تحدید شده است و تحت کنترل قوانین و مقررات خاص قرار دارد به طوری که

الف: قوانین نظارتی مؤثر و کارا در بازارهای مالی وجود ندارد.

ب: قوانین رسیدگی به صلاحیت سهامداران و مدیران و قدرت مالی و ساختار عملیاتی نهادهای مالی عمدتاً به دلیل دولتی بودن نهادهای مالی وجود ندارد.

ج: قوانین مالیاتی در رابطه با اوراق بهادار نارسایی دارد.

د: قوانین و ساز و کارهای لازم در مورد افشاسازی و همچنین عدم استفاده از اطلاعات محرمانه هنوز فراهم نیست.

خدمات بیمه؛ داخلی‌ها در اولویت

در این حوزه نکات زیر قابل ذکر به نظر می‌رسد:

بر اساس قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی، اجازه تأسیس مؤسسات بیمه غیردولتی به اشخاص داخلی داده شده، زیرا حداکثر سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس قانون تأسیس بیمه مرکزی برای خارجیان ۲۰ درصد است که آن هم محل شبهه است؛ لذا فعالیت مستقیم خارجیان در این بخش بسیار محدود است. در حالی که تعهدات کشورهای که بتازگی به WTO ملحق شده‌اند، نشان می‌دهد در این بخش باید آزادسازی‌های بیشتری صورت گیرد و حداقل به میزان ۴۹ درصد اجازه سرمایه‌گذاری به خارجی‌ها، در جداول تعهدات کشورهای عضو مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، طبق ماده ۷۰ قانون تأسیس بیمه مرکزی، تمامی بیمه‌های اموال منقول و غیرمنقول موجود در ایران، بیمه حمل کالاهای وارداتی که قرارداد خرید آنها در ایران بسته شده، بیمه کارکنان خارجی مقیم ایران و بیمه ایرانیان مقیم ایران، باید توسط شرکت‌های سهامی عام ایرانی صورت گیرد، اما مطابق قواعد WTO و جداول تعهدات کشورهای که اخیراً ملحق شده‌اند، نمی‌توان تمامی این محدودیت‌ها را حفظ کرد و باید در این زمینه آزادسازی‌هایی صورت گیرد. ابهام دیگر اینکه در مورد تأسیس شعب شرکت‌های بیمه خارجی در داخل ایران قانون روشنی نداریم و تنها در مورد مناطق آزاد، امکان فعالیت برای آنها تعریف شده است. این در حالی است که یکی از موارد مهم مورد مذاکره در WTO امکان و چگونگی صدور مجوز فعالیت شرکت‌های خارجی از طریق تأسیس شعبه است. در بخش بیمه اتکایی، بیمه مرکزی ایران طبق ماده ۷۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران از برخی حقوق انحصاری در قبول بیمه‌های اتکایی برخوردار است (۵۰ درصد در بیمه‌های زندگی و ۲۵ درصد در سایر رشته‌ها). در تعهدات کشورهای تازه ملحق شده، چنین حقوقی یا اصلاً وجود ندارد یا کشورها ملزم به حذف تدریجی سهم واگذاری شده‌اند.

خدمات حمل و نقلی

در این حوزه نیز می‌توان به سه نکته اشاره کرد: نخست اینکه در مورد تأسیس شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، طبق قانون، شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، در زمینه‌هایی که توسط دولت ایران تعیین می‌شود، می‌توانند نسبت به ثبت شعبه یا نمایندگی اقدام کنند. هر چند این قانون و مصوبه ۱۱ فروردین ۱۳۷۸ هیئت وزیران اجازه تأسیس شعب و نمایندگی شرکت‌های حمل و نقل خارجی را داده است، مشروط بودن آن به عمل متقابل از سوی کشورهای دیگر با مقررات WTO در بخش خدمات مغایر است.

دوم اینکه قید ایرانی بودن به عنوان شرط لازم برای تأسیس و فعالیت شرکت‌های حمل و نقل، در مقررات داخلی ایران مغایرتی با ضوابط WTO ندارد اما هنگام الحاق به WTO از کشورها خواسته می‌شود حداکثر میزان مجاز سرمایه‌گذاری خارجی در این شرکت‌ها را مشخص کنند، لذا توصیه می‌شود در آیین‌نامه‌های مربوطه میزان سقف مجاز سهم سرمایه‌گذاری خارجی مشخص شود.

سوم اینکه در بخش حمل‌زمینی، کالاهایی که در صورت وجود ناوگان ایرانی یا ناوگان غیرایرانی وارد کشور شوند،

مشمول پرداخت ۱۰ درصد عوارض می‌شوند که این، یک نوع تبعیض بارز در مورد خارجیان است و چنین تبعیضی با قواعد WTO در تعارض است.

خدمات مخابراتی، پیچیده و دشوار

در رابطه با این حوزه باید گفت اصل ۴۴ قانون اساسی و تفسیر شورای نگهبان و ابلاغیه مقام معظم رهبری در مورد این اصل اگرچه تا حد زیادی مشکل انحصاری بودن بخش مخابرات را حل کرده است، در هر حال شفافیت کامل وجود ندارد.

به علاوه، با عضویت در WTO و پذیرش موافقت‌نامه خدمات در نهایت شرکت‌های خارجی در حوزه مخابرات خواهان امکان حضور آزادانه در بازار می‌شوند که این مسئله با اصل ۸۱ قانون اساسی که حضور شرکت‌های خدماتی و تأسیس شعب آنها در ایران را مطلقاً ممنوع می‌داند، در تعارض است و حتی تفسیر شورای نگهبان (که مطابق آن به شرکت‌های خارجی که با شرکت‌های دولتی ایران همکاری تجاری می‌کنند، اجازه تأسیس داده است) هم این مسئله را به طور کامل حل نمی‌کند، ضمن اینکه شفافیت کامل ندارد. در حقیقت اصل ۸۱ با انحصار یک بخش خدماتی در دست خارجی‌ها مخالف است، اما تأسیس شرکت‌های خارجی کنار شرکت‌های ایرانی، تعارضی با اصل مزبور ندارد. البته مطابق برنامه سوم و چهارم توسعه و سیاست‌های کلی اصل ۴۴، به شرکت‌های دولتی مخابراتی اجازه داده می‌شود قسمتی از فعالیت خود را در زمینه‌های نگهداری و بهره‌برداری، طراحی، مهندسی، نصب و راه‌اندازی، آزمایش و تحویل تجهیزات و شبکه‌ها به بخش‌های تعاونی و خصوصی داخلی واگذار کنند. همچنین مطابق برنامه‌های مذکور، بخش غیردولتی در قلمرو شبکه‌های غیرمادر بخش مخابرات، شبکه‌های مستقل و موازی پستی و مخابراتی و در امور شبکه تلفن همراه و... با کسب مجوز از هیئت وزیران مجاز به فعالیت هستند.

البته مطابق مقررات جدید، شرکت‌های خارجی می‌توانند در حوزه‌هایی که بخش خصوصی داخلی اجازه فعالیت دارند، سرمایه‌گذاری مشترک کنند، به طوری که شرکت‌های خصوصی داخلی قادر خواهند بود بخشی از سرمایه خود را از خارج تأمین کنند. با این حال، در مجموع هنوز امکان حضور شرکت‌های خارجی به طور مستقل وجود ندارد، زیرا قانون موجود سرمایه‌گذاری خارجی در ایران هنوز خروج بی‌قید و شرط سود حاصل از سرمایه‌گذاری را اجازه نمی‌دهد.

حقوق مالکیت فکری؛ خروج از باتلاق

نظر به اینکه نظام حقوق مالکیت فکری در ایران از انسجام و یکپارچگی لازم برخوردار نیست و نقایص و ناکارآمدی‌های متعددی وجود دارد، بسیار ضروری است که در راستای الحاق ایران به WTO نسبت به رفع این کمبودها اقدام جدی و عملی در دو سطح زیر به عمل آید:

الف) به لحاظ اینکه کنوانسیون‌های متعددی در سطح بین‌المللی از سوی بسیاری از کشورها تصویب شده و جامعه بین‌الملل نیز اکنون نظام حقوق مالکیت فکری خود را بر اساس عمل به این کنوانسیون‌ها تنظیم و هماهنگ کرده است، برای هماهنگی با قواعد و مقررات WTO در زمینه حقوق مالکیت فکری به عنوان اولین اقدام عملی الحاق ایران به کنوانسیون‌های زیر ضروری است:

۱- کنوانسیون پاریس، برای حمایت از مالکیت صنعتی
۲- کنوانسیون برن، برای حمایت از آثار ادبی و هنری
۳- کنوانسیون رم، برای حمایت از حقوق اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های رادیو و تلویزیونی

۴- معاهده مالکیت فکری، در خصوص طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن)

۵- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گونه‌های جدید. البته فراموش نکنیم که صرف الحاق مهم نیست و باید این کنوانسیون‌ها و معاهده‌ها در کشور اجرا شود.

ب) قواعد و مقررات حاکم بر نظام حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایران در بعضی موارد با استانداردهای حمایتی که در موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) ذکر شده است، متفاوت است، از جمله موارد زیر:

۱- حق نسخه‌برداری (کپی رایت): بر اساس ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، آثار مربوطه چنانچه برای اولین بار در ایران منتشر، چاپ یا پخش و یا اجرا شده باشند، مورد حمایت قرار می‌گیرند و لذا تمامی مصادیقی که حائز این ویژگی نیستند، برابر مقررات مورد حمایت نخواهند بود. برای رفع این نقیصه، همان طور که در برخی از موافقت‌نامه‌های دوجانبه ایران سابقه دارد، می‌توان تبصره‌ای به قانون داخلی اضافه کرد، مبنی بر اینکه در صورت وجود عهدنامه یا رفتار متقابل، حمایت‌های قانونی داخلی شامل آثار اتباع خارجی هم خواهد شد. در خصوص حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز همین مشکل وجود دارد. برابر ماده ۱۶ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، حقوق مذکور در صورتی مورد حمایت این قانون خواهد بود که موضوع برای نخستین بار در ایران تولید و توزیع شده باشد. این نقیصه هم مانند بند قبل می‌تواند رفع شود. در قوانین داخلی، موضوعاتی مانند حمایت از آثار شفاهی، حقوق مرتبط یا جانبی و همچنین حقوق اجاره‌ای نیز مورد قانون‌گذاری قرار نگرفته‌اند، در صورتی که در کنوانسیون برن، کنوانسیون رم و موافقت‌نامه تریپس به این موارد تصریح شده است. در مورد مدت حمایت نیز باید گفت طبق مفاد ماده ۷ و ماده ۷ مکرر کنوانسیون برن، مدت حمایت ۵۰ سال از مرگ پدیدآورنده است، در حالی که برابر قوانین داخلی ۳۰ سال از مرگ پدیدآورنده مورد حمایت قرار می‌گیرند.

۲- علایم تجاری: بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۶ موافقت‌نامه تریپس و همچنین ماده ۶ دوم کنوانسیون پاریس در مجموع حاکی از لزوم حمایت از علایم مشهور در مورد کالاها و خدمات مشابه و غیرمشابه و عدم لزوم ثبت این علائم است، ولی در قانون ۱۳۸۶ به رغم اشاره به علائم مشهور در ماده ۳۲، ابهاماتی وجود دارد که باید مرتفع شود. در ماده ۲۱ موافقت‌نامه تریپس به عدم امکان اعطای مجوز اجباری در مورد علامت تجاری اشاره شده است، ولی قانون ۱۳۸۶ در این زمینه ساکت است. در ماده مذکور همچنین اشاره شده است که مالک علامت تجاری ثبت شده حق خواهد داشت علامت تجاری را با بدون انتقال کسب و کار مربوطه واگذار کند و در بند ۱ ماده ۶ چهارم کنوانسیون پاریس هم به این مسئله اشاره شده است، اما منوط بودن یا نبودن واگذاری علامت تجاری به انتقال کسب و کار مربوطه به قوانین کشورها سپرده شده است و فقط در ماده ۴۹ به امکان

تغییر در مالکیت نام تجاری، به شرط انتقال مؤسسه یا بخشی از آن که با نام مزبور شناخته می‌شود اشاره شده است. در بند ۲ ماده ۶ چهارم کنوانسیون پاریس آمده است اعضا می‌توانند انتقال یک علامت را در صورت گمراه کننده بودن نوع استفاده انتقال گیرنده در مورد مبدأ، ماهیت و خصوصیات اساسی کالای مربوطه به رسمیت نشانند. قانون ۱۳۸۶، مگر به طور تلویحی و ناقص در ماده ۴۴ در این زمینه ساکت است.

۳- حق اختراع: ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس به موضوع قابل ثبت به عنوان اختراع و استثنائات مجاز پرداخته است. مواد ۱ و ۲ و ۴ قانون مصوب ۱۳۸۶ نیز به این مسائل پرداخته و با ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس سازگاری دارد، ولی کاملاً از استثنائات مذکور در این ماده استفاده نشده و بصراحت به استثنائاتی، مثل حفظ حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه یا جلوگیری از لطمه جدی به محیط زیست اشاره نشده است.

در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس به مسئله استفاده‌های دیگر، بدون کسب اجازه از دارنده حق، از جمله مجوز اجباری پرداخته شده است که ماده ۱۷ قانون مصوب ۱۳۸۶ کاملاً با آن سازگاری دارد و حتی در مورد مجوزهای اجباری، مربوط به دارو از ظرفیت کامل موافقت‌نامه تریپس، با توجه به تصمیمات بعدی اعضا در این زمینه استفاده نکرده است. طبق بند ۴ ماده ۷۰ موافقت‌نامه پاریس، استفاده کنندگان قبلی از یک اختراع، در صورت ادامه استفاده، باید غرامت منصفانه‌ای را پرداخت کنند، ولی در جزء ۴ شق ج ماده ۱۵ قانون مصوب ۱۳۸۶، به این مسئله اشاره نشده است. در ماده ۶ موافقت‌نامه تریپس این حق به اعضا داده شده است که خودشان رژیم یا مقررات مربوط به خاتمه حقوق یا واردات موازی را تعیین کنند، ولی در قانون مصوب ۱۳۸۶ به خوبی و به طور شفاف به این مسئله پرداخته

نشده و گاه به طور مبهم بدترین شکل آن، یعنی شکل ملی آن پذیرفته شده است.

۴- طرح‌های صنعتی: در ماده ۲۵ موافقت‌نامه تریپس به حمایت از طرح‌های صنعتی و امکان مستثنا کردن طرح‌های کاربردی اشاره شده است. به نظر می‌رسد در ماده ۲۰ قانون مصوب ۱۳۸۶ طرح‌های کاربردی از حمایت مستثنا شده‌اند. اگرچه این امر با ماده ۲۵ موافقت‌نامه تریپس تعارض ندارد، ولی در بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون پاریس که ایران به آن پیوسته است، به لزوم حمایت از مدل‌های کاربردی هم اشاره شده است. به علاوه بسیاری از صاحب‌نظران، حمایت از اختراعات کوچک را برای کشورهای در حال توسعه مفید دانسته‌اند.

در ماده ۶ موافقت‌نامه تریپس انتخاب رژیم خاتمه حقوق، به خود کشورهای عضو واگذار شده است و هر کشور می‌تواند با توجه به منافع خود، نسبت به تدوین آن اقدام کند، حال آنکه از مفاد جزء ۱ شق ج ماده ۱۵ به نظر می‌رسد شکل ملی خاتمه حقوق مورد استفاده قرار گرفته است که بدترین شکل آن برای کشورهای در حال توسعه است.

در شق د ماده ۲۸ قانون مذکور هم به مدت حمایت (۵ سال و قابل تمدید برای دو دوره ۵ ساله متوالی دیگر) اشاره شده است که با بند ۳ ماده ۲۶ موافقت‌نامه تریپس (حداقل ۱۰ سال) سازگاری کامل ندارد و گاه می‌تواند مشکل‌ساز شود.

در بند ۲ ماده ۲۶ موافقت‌نامه تریپس هم به امکان ایجاد استثنائات محدودی در مورد حمایت از طرح‌های صنعتی اشاره شده است که در قانون مصوب ۱۳۸۶ به خوبی از این فرصت استفاده نشده است و شاید در این زمینه بتوان مسائلی مثل مجوزهای اجباری را هم در قانون گنجانید.

علاوه بر موارد بالا، موارد کلی زیر هم در مورد قانون مصوب ۱۳۸۶ قابل ذکر است:

۱- همان طور که قبلاً گفته شد، در قانون مصوب ۱۳۸۶ به خوبی از اعطاف‌ها و استثنائات پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه تریپس استفاده نشده است، از جمله در ماده ۷۳ موافقت‌نامه تریپس به استثنائات امنیتی اشاره شده است که قانون مصوب ۱۳۸۶ در این زمینه ساکت است.

۲- در ماده ۱۰ دوم کنوانسیون پاریس به لزوم مقابله مؤثر با رقابت مکارانه یا غیرمنصفانه اشاره شده است، ولی قانون مصوب ۱۳۸۶ در این زمینه ساکت است.

۳- در موارد گوناگونی از موافقت‌نامه تریپس به حق اتخاذ اقدامات مقتضی برای جلوگیری از رویه‌های ضدرقابتی و حفاظت از اطلاعات افشا نشده اشاره شده است که قانون مصوب ۱۳۸۶ به اندازه کافی به آن نپرداخته است.

۴- در قانون ۱۳۸۶ به اقدامات مرزی و اقدامات تأمینی هم به اندازه کافی پرداخته نشده است و در آیین‌نامه باید بسط داده شود.

سرانجام، به رغم مسائل بالا، در ماده ۶۲ قانون ۱۳۸۶ به تقدم معاهدات بین‌المللی بر قانون مذکور اشاره شده است که انعقاد یا الحاق به معاهدات بین‌المللی را تسهیل می‌کند.

علاوه بر موارد بالا، با توجه به اینکه اسرار تجاری و کنترل رویه‌های ضدرقابتی در پروانه‌های قراردادی در قوانین ملی تصریح نشده‌اند و در مقابل، هر یک از آنها دارای بخش جداگانه‌ای در موافقت‌نامه تریپس هستند، لذا اصلح است برای هر یک از این مصادیق مقرره‌ای در قوانین مربوط به حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شود. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی